

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۸-۳۱

تحلیلی بر مسأله موافقت روایات با کتاب الله در برون رفت از تعارض ادله

صابر ضامنی^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده

این تحقیق درصدد بررسی راه برون رفت از تعارض ادله، تحت عنوان موافقت با کتاب است در این تحقیق به بررسی مرجعیت یا مرجعیت موافقت با کتاب همراه با رویکردی انتقادی بر نظرات امام خمینی و محقق نائینی پرداخته و از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. محقق نائینی ترجیح خیر موافق با کتاب را پذیرفته است و در طرف مقابل امام خمینی این امر را رد نموده است. اما به نظر می‌رسد هر دو نظریه با اشکالاتی مواجه بوده و نظریه صحیح‌تر، آن است که دسته‌ای از این روایات ناظر به مواردی است که رابطه تباین کلی یا عام و خاص من وجه باشد، که در این صورت وظیفه کنار گذاشتن خبر است. دسته دیگر نیز مربوط به موارد تعارض دو خبری است که یکی از آنها مقید بر عمومات و اطلاقات کتاب باشد؛ در این صورت خبر دیگر که موافق با عمومات قرآنی است مقدم می‌گردد. در آخر پس از ایراد اشکالات و انتقادات نسبت به آراء محقق نائینی و امام خمینی و رد هر دو نظریه، قول مختار تبیین و آنچه در خصوص جمع و توجیه روایات باب صوابتر به نظر رسیده بیان گردیده است.

کلیدواژه: مرجع، مرجع، موافقت با کتاب، تعارض ادله، نائینی، امام خمینی.

۱. اشتغال به تحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، فعال فرهنگی، پژوهشگر و نویسنده مسؤل،
saberzameni1993@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران،
kariminia@quran.ac.ir

مقدمه

روایات یکی از غنی‌ترین و مهم‌ترین منابع دینی هستند که در راستای تبیین قرآن و استنباط احکام فقهی و در جهت فهم معارف دینی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از طرفی با اندک تأملی در تاریخ تحول روایات با مباحث چالش برانگیزی چون: وجود روایات متعارض، صدور برخی احادیث از باب تقیه، از بین رفتن برخی از روایات و پیدایش روایات جعلی و تحریفی مواجه می‌شویم (بحرانی، ۱۳۶۷، ۱، ۵ - ۸؛ صدر، ۱۹۷۵، ۱، ۴۱-۲۸).

برخلاف قرآن، حدیث قابلیت جعل داشته و تحریف پذیر بوده و امکان اشتباه در آن وجود دارد؛ لذا در پاره‌ای از روایات، راه‌هایی برای علاج آن بیان شده است. یکی از این ملاک‌ها، عرضه احادیث به قرآن است که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

اخبار عرضه روایات بر قرآن در دو فضا صادر شده‌اند. یکی در فضای تعارض و یکی در غیر فضای تعارض ادله. تعارض به این معناست که مقتضای دو یا چند دلیل با یکدیگر تنافی داشته باشد؛ به طوری که به تضاد یا تناقض منتهی گردد. در مرحله نخست برای حل تنافی، باید بررسی شود آیا تعارض موجود از طریق جمع عرفی مرتفع می‌گردد یا خیر؟! اگر جمع عرفی ممکن نبود، هر یک از آن‌ها که به سبب ویژگی خاص خود، ترجیح بر دیگری داشته باشد مورد عمل واقع شده و آن دیگری کنار گذاشته می‌شود. در صورت عدم رجحان، قاعده تخییر یا تساقط جاری می‌شود (مظفر، ۱۴۳۷، ۵۹۱).

در این موضوع با دو طایفه از روایات روبرو هستیم که طایفه اول حکایت از روایاتی دارد که صرفاً صحبت از عرضه آن‌ها به قرآن مطرح است و در مقابل، طایفه دوم به روایاتی پرداخته است که در فضای معارضه روایات، قرآن را به‌عنوان مرجع معرفی می‌کند. مراد از مرجعیت و مرجحیت قرآن این است که قرآن در مواجهه با روایات یا به‌عنوان تبیین و تشخیص حجت از غیر حجت مطرح است یا به‌عنوان مرجع میان متعارضین.

ثمره میان مرجحیت و مرجعیت درجایی روشن می‌شود که نسبت میان کتاب و سنت با یکی از دو خبر، اعم مطلق باشد و علم به واحد بودن حکم خداوند نیز داشته باشیم؛ در این صورت اگر قائل به مرجحیت کتاب و سنت شویم آن خبر به دلیل موافقت با کتاب و سنت قطعی حجت خواهد بود؛ در نتیجه کتاب و سنت را تخصیص خواهد زد. در این میان بعد از تعارض دو روایت خاص و ترجیح روایتی که موافق با کتاب و سنت است، روایت موافق حجت می‌گردد و از طرفی می‌دانیم یک حکم بیشتر وجود ندارد. لذا مطلق کتاب و سنت بر مقید حمل می‌شود. برخلاف صورتی که کتاب و

سنت قطعی، مرجع باشند که دو خبر، تعارض و تساقط کرده و به عمومات رجوع می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۲۰، ۲، ۴۱۰-۴۰۹).

اخبار صادر شده از معصومین (علیهم‌السلام) در موضوع عرضه اخبار بر قرآن دو طایفه هستند. در اینکه مفاد این دو طایفه چیست، بین علما اختلاف وجود دارد.

بررسی روایات عرضه به قرآن و تحلیل دیدگاه صاحب نظران نشان می‌دهد که مراد از کتاب، قرآن است و شامل سنت و برهان‌های عقلی نمی‌شود. همچنین مراد از موافقت، عدم مخالفت بوده و مخالفت به نحو تباین جزئی، مخالف محسوب نمی‌شود. عرضه حدیث بر قرآن، اختصاص به صورت تعارض دو خبر با یکدیگر ندارد بلکه در موارد دیگر نیز کارایی داشته و بیانگر عدم حجیت روایات مخالف با کتاب است (سلطانی شورباخورلو، اسماعیل، ۱۳۸۸، معرفت، شماره ۱۳۶).

عرضه روایات بر قرآن کریم، مورد پذیرش اکثریت دانشمندان شیعه و اهل سنت است. تنها دو گروه از اخباریان، این معیار را مورد انکار و اشکال قرار داده‌اند. گروه نخست، اخباریان افراطی شیعه هستند که معتقدند ظواهر قرآن کریم، حجیت و اعتبار ندارد و قرآن جز با تفسیر و تبیین پیشوایان معصوم قابل فهم نیست. گروه دوم، برخی از محدثان و اخباریان اهل سنت‌اند که به تساوی رتبه قرآن و سنت، بلکه به حاکم بودن حدیث بر قرآن باور دارند و احادیث بیانگر عرضه حدیث بر قرآن را ضعیف و مجعول معرفی می‌دانند (دیاری بیدگلی، محمدتقی، بهار ۱۳۸۴، انجمن معارف اسلامی، شماره ۲).

تمایز این تحقیق با پیشینه مذکور بررسی این موضوع از دیدگاه محقق نائینی و امام خمینی و طرح دلایل آنان و بیان اشتراک‌ها و تفاوت‌های دو دیدگاه می‌باشد. در این تحقیق نخست دیدگاه محقق نائینی و امام خمینی تبیین می‌شود و سپس به بیان اشتراک‌ها و افتراق‌های این دو دیدگاه پرداخته شده و در نهایت رأی که به نظر صحیح‌تر می‌نماید با قیام ادله به اثبات خواهد رسید. مقاله حاضر به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

مُرَجِّحیت یا مَرَجِّعیت «موافقت با کتاب» از منظر محقق نائینی

محقق نائینی ضمن بیان مباحث تعارض ادله، در دسته بندی روایات و عرضه بر کتاب بیان می‌دارد که روایات وارد شده در موضوع عمل به موافق قرآن و کنار گذاشتن مخالف، دو دسته‌اند:

الف - دسته اول روایاتی است که ارتباطی به مسئله تعارض نداشته و به وظیفه مکلف در هنگام تعارض ادله ارتباطی ندارد؛ بلکه بطلان و صادر نشدن خبر مخالف با کتاب را بیان می‌کند. به صورت نمونه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «آنچه از احادیث موافق با قرآن نبود باطل است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۶۹).

ب - دسته دوم روایاتی است که در خصوص روایات متعارض وارد شده‌اند.

محقق نائینی معتقد است که برخی از روایات عرضه بر کتاب به جایی اختصاص دارد که دو روایت متعارض وجود داشته باشد؛ بنابراین لازم است که شرایط دو روایت متعارض موجود و هر دو روایت حجت باشند.

در این بحث که کدام یک از دو روایت را باید بر دیگری ترجیح داد، اهل بیت (علیهم السلام) امر نموده‌اند که در هنگام تعارض، به روایتی که موافق قرآن است عمل کرده و به مخالف آن عمل نشود. مانند: روایتی از امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید: «هرگاه دو حدیث مختلف به دست شما برسد، آن‌ها را بر قرآن عرضه کنید و آنچه موافق کتاب خدا است، بدان عمل کنید و آنچه مخالف کتاب خدا است، آن را کنار بگذارید.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۱۸). در اینجا مفروض این است که هر دو خبر شرایط حجیت را داشته باشند؛ زیرا تعارض فرع بر حجیت است. براین اساس می‌توان گفت خبر مخالف با کتاب به صورت کلی دوگونه است:

- ۱ - خبر مخالفی که شرایط حجیت را ندارد که در این صورت تعارض منتفی بوده و خبر را از حجیت ساقط می‌کند.
- ۲ - خبر مخالفی که شرایط حجیت را دارد و با خبر موافق در تعارض است. در این صورت خبر موافق بر خبر مخالف ارجح خواهد بود.

در اینجا قسم دوم محل بحث بوده و قسم اول خارج از بحث است (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۰).

طرح اشکال جمع بین دو طایفه از اخبار

در جمع بین دو طایفه از اخباری که بیانگر کنار گذاشتن خبر مخالف با قرآن است، چالشی وجود دارد. تعارض در اینجا بین دو خبری است که هر دو دارای حجیت اند شکل می‌گیرد. از سویی مفاد دسته دوم اخبار علاجیه، کنار گذاشتن خبر مخالف با کتاب است. خبر مخالف با قرآن زمانی در تعارض با خبر موافق قرآن قرار می‌گیرد که دارای حجیت باشد. از سوی دیگر بر اساس مفاد طایفه اول اخبار علاجیه، خبر مخالف با کتاب فاقد حجیت بوده و چنین خبری نمی‌تواند در عرض خبر دیگری قرار بگیرد تا تعارضی حاصل شود.

چالشی که در این زمینه وجود دارد، چگونگی جمع بین مضمون دو دسته روایت مذکور است. به عبارت دیگر باید بررسی شود که خبر مخالف با قرآن حجت است و می‌تواند در یکی از دو طرق متعارض قرار گیرد یا شرط اصلی تعارض (حجیت) را دارا نیست؟! (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۰).

تفاوت شرایط حجیت و مرجحیت

محقق نائینی، در پاسخ به اشکال مذکور در خصوص این که چگونه موافقت با کتاب در زمره مرجحات شمرده می‌شود، راه حلی ارائه می‌دهد. به عقیده ایشان بین شرایط حجیت خبر و شرایط ترجیح خبر تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، بین دو خبر مخالفت (مخالفت مُسَقَطِ حَجِّیَّت و مخالفت مُرَجِّحِ خَبَرِ مُوَافِق) تفاوت وجود دارد. از شرایط حجیت خبر آن است که خبر با قرآن تباین کلی نداشته باشد. زیرا خبری که با قرآن دارای تباین کلی است اساساً ممکن نیست که از معصوم (علیه السلام) صادر شود. امام صادق (علیه السلام) در روایتی که منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است نقل کرده اند که: «ای مردم بدانید! آنچه از من به دست شما برسد و موافق کتاب خدا باشد، آن را من گفته‌ام و آنچه به دست شما برسد و مخالف کتاب خدا باشد، من آن را نگفته‌ام» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۷، ۳۰۴). بر اساس آنچه بیان گردید مراد از این روایت مخالفت به نحو تباین کلی است.

محقق نائینی مراد از مخالفت در روایات را، تباین کلی می‌داند؛ زیرا (المخالفة) به صورت مطلق، ظهور در تباین کلی دارد. این به خلاف روایاتی است که در مورد ترجیح در باب متعارضین وارد شده است. زیرا که در این اخبار عنوان مخالفت به صورت مطلق نیامده است، بلکه یا فقط عنوان موافقت با کتاب ذکر شده یا اگر هم مخالفت آمده، همراه با موافقت آمده است (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۱، حاشیه ۱).

حال زمانی که نسبت خبر و کتاب، عام و خاص من وجه باشد، محل جریان قواعد باب تعارض است. یعنی ابتدا اظهر از آن دو مقدم می‌شود و در صورت فقدان اظهر، در عمل به هریک تخییر وجود خواهد داشت یا به اصل رجوع می‌شود.

ممکن است کسی گمان کند، قطعی الصدور بودن کتاب موجب می‌شود تا آیات کتاب بر خبر دلالت ظنی دارد مقدم شود و بر این اساس تقدیم خبر بر کتاب به دلیل اظهریت، تخییر در عمل به کتاب و خبر و رجوع به اصل بی‌معنا دانسته شود. پاسخ این است که، قرآن دلالت قطعی ندارد بلکه صدور آن قطعی است و صدور قطعی داشتن با دلالت ظنی

داشتن آن متفاوت است. از آنجایی که ملاک در اظهاریت دو دلیل، جهت دلالت است، خیر قابلیت مقدم شدن بر قرآن را دارد.

از جمله شروط ترجیح در باب تعارض آن است که موافقت و مخالفت خبر نسبت به کتاب به نحو عموم و خصوص من وجه باشد. اما مخالفت و موافقت به نحو عموم و خصوص مطلق، در زمره مرجحات شمرده نمی‌شود؛ زیرا بین عام و خاص مطلق هیچ معارضه‌ای نیست. به بیان دیگر مخالفت به نحو عام و خاص مطلق تحت هیچ یک از دو دسته اخبار عرضه خبر بر کتاب، قرار نمی‌گیرد. چراکه نه رابطه به نحو تعارض است تا ذیل طایفه دوم درآید و نه به نحو تباین کلی است تا ذیل طایفه اول قرار گیرد. اگر مخالفت به نحو تباین کلی باشد تحت اخبار طایفه اول درآمده و از حجیت ساقط می‌شود هر چند خیر معارض با آن نباشد. (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۲).

جمع‌بندی دیدگاه محقق نائینی

به عقیده محقق نائینی اگر رابطه خبر و کتاب عام و خاص مطلق باشد، جزء موارد مخالف با کتاب قرار نمی‌گیرد. زیرا در این موارد عرف خبر را نوعی قرینه دانسته و عام قرآنی را قید می‌زند. همچنین اگر رابطه خبر و کتاب تباین کلی باشد، خبر از حجیت ساقط می‌گردد و نوبت به بحث از مرجحات نخواهد رسید. اگر رابطه خبر و قرآن عموم و خصوص من وجه باشد، از مواردی است که ذیل اخبار دسته دوم قرار می‌گیرد.

بنابراین در صورتی که نسبت به باقی مرجحات موافق باشند، خبر موافق با قرآن مقدم می‌شود. در این صورت تفاوتی ندارد که رابطه دو خبر با یکدیگر عام و خاص من وجه باشد یا تباین کلی. بر این اساس اگر رابطه دو خبر با یکدیگر تباین کلی باشد؛ اما یکی از آن دو موافق کتاب باشد، این مورد نیز تحت ادله ترجیح قرار گرفته و خبر موافق با قرآن مقدم می‌شود. مثلاً در تعارض دو خبر که مفاد یکی حلال بودن گوشت الاغ و مفاد دیگری حرام بودن آن است، به جهت اینکه، آیاتی از قرآن مانند: «أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» (مائده: ۱)؛ «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره: ۲۹)، با مفاد خبر حلیت موافق‌اند، خبر حلیت مقدم می‌شود. در اینجا اگرچه مفاد خبری که حرمت است نسبت به عام کتابی خاص است و باید آن را تخصیص بزند (در صورت پذیرش تخصیص کتاب به وسیله خبر واحد)؛ اما به دلیل وجود معارض صلاحیت تخصیص عام کتابی را نداشته و در نتیجه به خبری که موافق عام کتابی است عمل می‌شود.

بر این اساس آنچه از سوی شیخ انصاری مطرح گردیده که فرموده‌اند: در این موارد باید به مرجحات صدوری و جهتی رجوع کرد و در صورت فقدان آن، تخییر وجود دارد، کلام صحیحی نیست. زیرا یکی از دو دلیل موافق عام

کتابی بوده و همین وجه مانع از رجوع به تخییر می‌گردد (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۲؛ علیدوست، ۱۳۹۸، جلسه ۶۶ خارج اصول).

مُرَجِّحیت یا مَرَجِّعیت «موافقت با کتاب» از منظر امام خمینی

به عقیده امام خمینی، اخبار مربوط به موافقت و مخالفت کتاب، دو دسته‌اند.

دسته اول: اخباری که در مورد مطلق روایات موافق و مخالف کتاب بیان شده و اختصاصی به تعارض دو خبر ندارد. امام صادق (علیه السلام) در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده‌اند: «برای هر امر حقی، حقیقتی است و برای هر امر نیکویی، نوری است؛ پس آنچه را که موافق قرآن است آخذ کنید و آنچه را که مخالف قرآن است، ترک کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۶۹).

دسته دوم: اخباری که در مورد احادیث متعارض بیان شده است؛ مانند روایت عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله از امام صادق (علیه السلام): «هرگاه دو حدیث مختلف به دست شما برسد، آن‌ها را بر کتاب خدا عرضه کنید و آنچه موافق کتاب خدا است، بدان عمل کنید و آنچه مخالف کتاب خدا است، آن را کنار بزنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۱۸).

در ظاهر این دو دسته از اخبار با یکدیگر تنافی دارند؛ زیرا مفاد دسته اول، عدم حجیت خبر مخالف با کتاب است و مفاد دسته دوم، مرجح بودن موافقت با کتاب برای خبر است. از آن جایی که ترجیح به موافقت کتاب، فرع حجیت دو خبر می‌باشد، ظاهر دو دسته باهم تنافی دارند. زیرا به مقتضای دسته اول خبر مخالف با کتاب فاقد حجیت است نه این‌که حجیت داشته باشد و از جهت مخالفت با کتاب، خبر دیگر بر آن ترجیح داده شود.

چنانچه بیان گردید محقق نائینی در مقام حل این تنافی مراد از مخالفت در دسته اول را مخالفت به نحو تباین کلی دانسته و رأی به عدم حجیت خبر دارای تباین کلی داده است اما مراد از مخالفت در دسته دوم را مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق یا من وجه دانسته است. بر این اساس عدم مخالفت با کتاب به نحو تباین کلی از شرایط حجیت و مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق یا من وجه از مرجحات می‌باشد نه شرایط حجیت.

مرحوم امام خمینی می‌نویسد: «آنچه لا شاهد لهذا الجمع، بل الأخبار آیه عنه» کسی که به اخبار توجه می‌کند متوجه خواهد شد که شاهدی برای جمع مذکور نیست، بلکه این روایات، از چنین جمعی اِباء دارند. (امام خمینی، التعداد و الترجیح، ص ۱۸۶).

امام خمینی نسبت به خیر میثمی از دسته دوم بیان می‌دارد: اگر کسی در صدر این روایت و آنچه متفرع بر آن شده تأمل کند، «که از امام رضا (علیه السلام) روایت شده: اگر دو خبر مختلف به شما رسید؛ پس آن دو را بر کتاب خدا عرضه کنید، آنچه در کتاب خدا از جهت حلال یا حرام، موجود بود، روایت موافق با کتاب را تبعیت کنید و آنچه در کتاب خدا نبود، بر سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه کنید؛ پس آنچه در سنت موجود بود و از حرام نهی کرده و به حلال امر کرده بود، به آنچه موافق نهی یا امر رسول خدا بود عمل کنید (حر عاملی، ۲۷، ۱۱۵، ۱۴۰۹-۱۱۳)»، متوجه می‌شود که این حدیث زبانش با زبان دسته اول یکی است. ایشان نسبت به موضوع تعارض معتقد است، دلیل مخالف کتاب، باید کنار گذاشته شود. وقتی زبان واحد است؛ بنابراین به دلیل یکی بودن مراد دو دسته روایت، نمی‌توان چنین جمعی را پذیرفت. نمی‌توان مراد یک دسته را به مخالفت از نوع تباین کلی و مراد دسته دیگر را تعارض به نحو عموم و خصوص من وجه یا مطلق دانست.

در مورد روایت حسن بن جهم هرچند در روایت، سؤال از دو خبر مختلف است (به امام عرض کردم؛ از طرف شما برای ما احادیث مختلف می‌آید، کدام را قبول کنیم؟!)) اما جواب امام (علیه السلام) مطلق است. به این معنا که وقتی امام در جواب می‌فرماید: احادیث ما را مقایسه کنید با کتاب خدا؛ یعنی فرقی نمی‌کند که دو خبر معارض باشند یا نباشند. امام (علیه السلام) در این مورد ضابطه‌ای بیان فرموده‌اند؛ خبری که مخالف با قرآن و سایر احادیث بوده و هیچ شباهتی ندارد، حجیت ندارد؛ خواه معارض داشته باشد یا نداشته باشد. علاوه بر این، زبان روایت مذکور که فرمود: «اگر موافق و مشابه قرآن و احادیث ما بود از ماست و إلا ما نگفتیم»، همان زبان دسته اول می‌باشد. لذا مراد از مخالفت در هر دو یکی خواهد بود. روایت ابن جهم و ابن ابی یعفر به همین دو بیان (کلی بودن جواب امام (علیه السلام) و واحد بودن زبان آن با طایفه اول) نیز مخالفت با چنین جمعی دارند.

بنابراین با تأمل در روایات معلوم می‌شود، جمع مرحوم نائینی صحیح نبوده و ملاک دو دسته، واحد است. هر دو طایفه در صدد تمییز حجت از غیر حجت می‌باشد. همچنین موافقت با کتاب از مرجحات بین دو حجیت نبوده و همه روایات باب، بر مخالفت به نحو تباین حمل می‌شود. قرینه این حمل، صدور اخبار مخالف با کتاب به نحو عموم و خصوص من وجه و مطلق از ائمه اطهار (علیهم السلام) است. پس زمانی که نسبت بین دو خبر و کتاب و سنت، عام و خاص من وجه یا مطلق باشد، دلیلی بر مرجح بودن وجود ندارد؛ در نتیجه موافقت با کتاب از مرجحیت ساقط می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۷-۱۸۵).

جمع بندی دیدگاه امام خمینی

به عقیده امام خمینی، مخالفت به حسب مفهوم خود، شامل جمیع اقسام مخالفت می‌شود؛ اما مخالفتی که بین آن دو جمع عرفی و عقلائی وجود دارد از حیثه سؤال و جواب خارج است. مورد سؤال صورتی است که عرف برای عمل به آن دو متحیر شود؛ یعنی جمع عرفی و عقلائی بین آن دو ممکن نباشد؛ بنابراین، روایتی که بیان داشت: «زمانی که دو حدیث مختلف برای تو آوردند...» و امثال آن و همچنین احادیثی که مخالفت با قرآن را باطل می‌دانند، به واسطه قرائتی که گفته شد، بر صورتی که بین دو روایت جمع عرفی وجود نداشته باشد، حمل می‌شوند.

بر این اساس مخالفت به حسب مفهوم، شامل جمیع اقسام مخالفت می‌شود؛ اما به سبب وجود قرینه‌ی مخالفت در روایت، بر مخالفت به نحو تباین حمل شده و به سبب وجود قرینه شامل مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق و من وجه نمی‌گردد.

این قرائن عبارت هستند از: وجود روایات زیادی در فقه که به نحو عام و خاص، مخالف با قرآن هستند. همچنین روایات دال بر باطل بودن خبر مخالف با قرآن، به وسیله روایات موجود در فقه و غیره تخصیص نمی‌خورد؛ یعنی از اول شامل روایات مخالف به نحو عموم و خصوص نمی‌شود.

به عقیده امام خمینی روایات کنار گذاشتن خبر مخالف با کتاب، همگی دارای زبان واحد بوده و خبری که دارای رابطه تباین کلی با کتاب است را حجت ندانسته و حکم به کنار گذاشتن آن نموده است.

بر این اساس، روایات بطلان خبر مخالف از ابتدا شمولیتی نسبت به موارد عام و خاص نداشته و به تعبیر دیگر به وسیله این روایات تخصیص نمی‌خورد. بر این اساس روایتی که بیان می‌دارد: «آنچه موافق کتاب است عمل کنید و آنچه مخالف کتاب است کنار بگذارید» مطلق بوده و باید به آن عمل کرد. بر این اساس دو خبر مخالف و فاقد جمع عرفی، اگر یکی موافق با کتاب و دیگری مخالف باشد، باید به خبری که موافق کتاب است عمل کرده و دیگری را کنار گذاشت.

ممکن است ادعا شود که در صدر این روایت قرینه‌ای وجود دارد؛ زیرا صدر روایت مربوط به دو حدیث مختلف می‌باشد و فرض این است که مراد از مخالفت بین دو حدیث، مخالفتی است که جمع عرفی در آن ممکن نباشد؛ به همین جهت، وحدت سیاق اقتضا می‌کند که مخالفت در ذیل را نیز بر همین معنا حمل کنیم.

ولی این ادعا صحیح نیست چون سیاق بین جملات در صورتی قرینیت دارد، که موضوع هر دو جمله واحد باشد. مثلاً موضوع هر دو اختلاف دو خبر باشد. ولی در ما نحن فیه چنین نیست و موضوع در صدر، اختلاف دو خبر و در ذیل اختلاف خبر با کتاب می‌باشد؛ بنابراین صدر روایت نمی‌تواند قرینه بر مراد ذیل آن باشد.

همچنین ممکن است گفته شود اخذ به خبر موافق کتاب و سنت قطعیه، از باب ترجیح یک خبر بر دیگری نیست؛ بلکه از باب رجوع به دلیل قطعی الصدور و عمل به آن می‌باشد (یعنی بعد از تعارض و تساقط دو خبر، به عام فوقانی که کتاب و سنت قطعیه باشد، رجوع می‌شود). بر این اساس، کتاب و سنت قطعیه مرجع می‌باشند نه مرجح. اما این ادعا نیز قابل پذیرش نیست چون مخالف با ظاهر این اخبار است. به این دلیل که مراد روایات، حجیت و عمل به آن خبر است، نه عمل به کتاب و سنت قطعیه (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۹۰-۱۸۲).

۳- وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه محقق نائینی و امام خمینی

پس از بیان نظرات و دیدگاه‌های محقق نائینی و امام خمینی، لازم است وجوه اشتراک و افتراق بین دو دیدگاه بیان شود تا راه برای قضاوت بین دو نظریه هموارتر گردد.

الف) اشتراک

محقق نائینی و امام خمینی هر دو بر این باورند که مراد از مخالفت خبر با کتاب در طایفه اول، مخالفت به نحو تباین کلی است، همچنین در طایفه دوم، اگر مخالفت به نحو تباین کلی باشد آن روایت حجیت نداشته و تعارضی واقع نمی‌شود (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۷).

همچنین هر دو معتقدند که محل نزاع مواردی است که جمع عرفی و عقلایی وجود نداشته باشد و عرف برای عمل به دو دلیل، متحیر گردد. بنابراین، مخالفت بر تخالف به نحو تباین یا عموم و خصوص من وجه حمل می‌شود و شامل مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق به سبب وجود قرینه نمی‌شود؛ زیرا در عرف عقلا هیچ معارضه‌ای بین عام و خاص مطلق نیست تا جزء مرجحات قرار گیرد (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۹۰).

آخرین وجه اشتراک بین دو عقیده تنافی ظاهری دو دسته اخبار است؛ اما در مورد ملاک و مقصود روایات متعارض، دارای اختلاف نظر هستند (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۰؛ امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۵).

ب) افتراق

بین نظریه محقق نائینی و امام خمینی در مسئله مورد بحث دو تفاوت عمده وجود دارد:

۱- معنای مخالفت: امام خمینی تمام اقسام مخالفت را به حسب مفهوم قبول دارد؛ اما در این بحث مخالفت را به سبب وجود قرینه در روایت، بر مخالفت به نحو تباین کلی حمل می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۹۰)؛ اما محقق نائینی مخالفت به نحو تباین جزئی را نیز در این بحث داخل می‌داند (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۰).

۲- تفاوت در گستره مخالفت: محقق نائینی، مخالفت به نحو عموم خصوص من وجه را در دسته دوم به عنوان مرجح می‌پذیرد؛ زیرا تعارض دائماً بین دو خبرِ حجت، شکل می‌گیرد؛ بنابراین خبر مخالف، حجت است؛ زیرا توانسته معارضه کند (نائینی، ۱۳۷۶، ۴، ۷۹۰)؛ در مقابل، امام خمینی به دلیل اعتقاد به یکی بودن زبان هر دو دسته روایت و عدم وجود شاهد بر جمع مذکور، مخالفت را به نحو تباین اثبات می‌کند.

ایشان برای اثبات این مطلب به خبر میثمی، روایت حسن بن جهم و دیگر روایات تمسک نموده و معتقد است با تأمل در صدر و ذیل این روایات وحدت ملاک روشن می‌شود. همچنین در سؤال از خیرین مختلفین، جواب امام (علیه السلام) مطلق است؛ یعنی بین معارض بودن و نبودن دو خبر تفاوتی وجود ندارد. بر این اساس به عقیده ایشان موافقت با کتاب در شمار مرجحات بین دو حجیت قرار نمی‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۷).

نظر مختار

با دقت در روایات ترجیح خبر موافق و کنار گذاشتن خبر مخالف، روشن می‌شود که صواب آن است که نظر سومی ارائه گردد. به نظر نگارنده مقصود روایاتی که به کنار گذاشتن خبر مخالف با کتاب امر نموده، عدم حجیت این دسته از اخبار بوده و روایاتی که دارای رابطه عام و خاص من وجه یا تباین کلی با کتاب باشند، مشمول این روایات خواهد بود. در این موارد امکان جمع بین خبر و کتاب وجود نداشته و اخبار این چنینی، مشمول ادله حجیت خبر نخواهند بود.

در طرف دیگر اگر رابطه میان خبر و کتاب عام و خاص مطلق باشد، از آن جهت که امکان جمع بین این نوع اخبار و کتاب وجود داشته و این نوع جمع نیز کاملاً عرفی است، در دایره شمولیت اخبار فاقد حجیت قرار نگرفته و مشمول ادله حجیت خبر واحد خواهد بود. در این موارد عمومات و اطلاقات کتاب، به وسیله خبر مقید می‌گردد.

بر این اساس، در مواردی که بین خبر و کتاب رابطه عام و خاص مطلق وجود داشته باشد، مراد کتاب به وسیله خبر مشخص و تبیین می‌گردد. مثلاً روایات صوم همگی مبین برخی قیود مذکور در قرآن است که در مورد صوم به صورت مجمل بیان گردیده است؛ بنابراین، این دسته روایات به صرف مخالفت غیرمستقر و قابل جمع با کتاب، از حجیت ساقط نمی‌شوند.

در خصوص مراد روایاتی که خبر موافق با کتاب را رجحان داده است باید گفت این دسته از روایات ناظر به مواردی است که دو خبر تعارض کرده و یکی از آن دو مخصص عمومات یا مقید اطلاقات باشد و دیگری با عمومات و

اطلاقات کتاب موافق باشد؛ در این صورت روایتی که موافق با عمومات و اطلاقات قرآنی است بر روایت دیگر ترجیح داده می‌شود.

علت عدول از دو نظریه کنار گذاشته شده و بیان نظریه سوم این است که دقت در روایات ترجیح خبر موافق با کتاب نشان می‌دهد که این روایات برای تمییز حجت از غیرحجت نبوده و صرفاً برای ترجیح خبر موافق با کتاب بیان گردیده است؛ زیرا در مقبوله، اولین مرجح ذکر شده، شهرت است. در مرحله بعد موافقت با کتاب بیان گردیده است. دقت در ترتیب ذکر شده در روایت نشان می‌دهد که امام (ع) شهرت را نسبت به موافقت با کتاب مقدم داشته است. اگر روایت تنها در صدد بیان حجت از غیرحجت باشد به واسطه موافقت با کتاب باشد، نباید شهرت را مقدم نمود؛ زیرا نمی‌توان خبر مشهور مخالف با قرآن را حجت دانست و در مقابل خبر شاذ موافق با قرآن را از فاقد حجیت قلمداد کرد. با توجه به این موارد باید گفت تقدّم شهرت بر موافقت با فرض مرجح بودن هر دو بیان گردیده است.

بنابراین کلام امام خمینی مبنی بر اینکه هر دو دسته روایت برای تمییز حجت از غیرحجت بیان گردیده و زبان واحدی دارد قابل دفاع و توجیه نبوده و بر این اساس برخی روایات مانند مقبوله را نمی‌توان توجیه نمود.

همچنین کلام محقق نائینی مبنی بر اینکه دسته‌ای از روایات را بر تباین کلی و دسته دیگر را بر عام و خاص مطلق و من وجه حمل نماییم مبتلا به اشکالی است که قبلاً نیز بیان گردید. این نظریه فاقد هرگونه شاهد و دلیلی از روایات ترجیح است. بنابراین نمی‌توان به آن قائل شد.

این درحالی است که نظریه مختار دارای شواهدی از روایات بوده و قابل اثبات است. در مورد دسته نخست از روایات که امر به کنار گذاشتن خبر مخالف با کتاب کرده است، باید گفت که مراد این روایات قطعاً مواردی که بین روایت و کتاب رابطه عام و خاص من وجه وجود داشته باشد، نیست؛ زیرا در نظر عرف، مواردی که بین خبر و کتاب عام و خاص مطلق باشد، مخالفت صدق نمی‌کند. بنابراین تنها تباین کلی و عام و خاص من وجه باقی مانده و روایت وجوب کنار گذاشتن خبر مخالف، شامل این دو صورت می‌گردد. همچنین از آنجایی که در برخی از این روایات ابتدا شهرت به عنوان مرجح بیان گردیده و سپس موافقت با کتاب، بیانگر این نکته است که زبان روایت، ترجیح بوده و در صدد تمییز حجت از غیرحجت نمی‌باشد.

نتیجه گیری

نسبت به بحث مرجعیت یا مرجحیت موافقت با کتاب، از دو اصولی بزرگ و صاحب نظر، یعنی محقق نائینی و امام خمینی مطالبی مورد بررسی قرار گرفت. محقق نائینی روایاتی که در این زمینه وجود دارد را به تفصیل حمل نموده، برخی را ناظر به صورت تباین کلی و برخی دیگر را ناظر به عام و خاص من وجه دانست. امام خمینی با نظر محقق نائینی مخالف بوده و تمامی روایاتی که در این زمینه وجود دارد را بر تمییز حجت از غیر حجت حمل نمودند. چنانچه بیان گردید، دقت در روایات مطروحه نشان می‌دهد که هر دو نظریه غلط بوده و لازم است قول سومی بیان گردد.

با بررسی اخبار وارده در زمینه عرضه خبر به کتاب به این نتیجه می‌رسیم که روایاتی که نسبت به کنار گذاشتن مخالف امر نموده، ناظر به مواردی است که بین خبر و کتاب رابطه تباین کلی یا عام و خاص من وجه است. برای اثبات این حمل مطالبی بیان گردید. همچنین روایاتی که موافقت با کتاب را به عنوان مرجح مطرح نموده نیز مربوط به مواردی است که خبر موافق عموم و اطلاق کتاب بوده و هنگام تعارض با خبری که مخالف با عام و اطلاق قرآن است، خبر موافق مقدم می‌شود. برای اثبات این حمل نیز شواهدی بیان گردید.

منابع

قرآن کریم

- ۱) أصول الفقه، مظفر، محمدرضا، قم، مرکز حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۳۷ق
- ۲) بررسی روایات عرضه، علی نصیری، مجله حدیث حوزه، تابستان ۱۳۹۰ش، شماره دوم
- ۳) التعدادل و الترجیح، خمینی، روح‌الله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، چاپ اول، ۱۳۷۵ش
- ۴) تعارض ادله-روایات عرضه و طرح، علیدوست، ابوالقاسم، خارج اصول، جلسه ۶۶، دی‌ماه ۱۳۹۸ش.
- ۵) تعارض الادلة الشرعية، صدر، سید محمدباقر، بیروت، المكتبة الاسلامية الكبرى، ۱۹۷۵م
- ۶) الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، بحرانی، یوسف بن احمد، قم، موسسه نشر اسلامی ۱۴۰۵ق
- ۷) ضرورت عرضه و تطبیق روایات بر قرآن کریم، محمدتقی دیاری بیدگلی، انجمن معارف اسلامی، بهار ۱۳۸۴ش، شماره دوم
- ۸) فوائد الاصول، نائینی، محمدحسین، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش
- ۹) الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق

۱۰) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمدتقی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام،

چاپ اول، ۱۴۰۸ق

۱۱) معتمد الاصول، خمینی، روح الله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، چاپ اول، ۱۴۲۰ق

۱۲) مقصود از موافقت و مخالفت حدیث با قرآن در روایات عرض، اسماعیل سلطانی شورباخورلو، معرفت،

۱۳۸۸ش، شماره ۱۳۶

۱۳) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، قم، موسسه آل البيت

(عليهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.